



Cognitive warfare and its impact on national cohesion and security

Manochehr Asadi¹

1. International University of Islamic Sects and Religions. asadi.manochehr641@gmail.com

Abstract

National security is a multidimensional concept encompassing various political, economic, cultural, social, and military aspects of a country. In the contemporary world, rapid developments in information and communication technologies have created the conditions for the emergence of new forms of threats, among which cognitive warfare represents one of the most prominent. Cognitive warfare is a form of conflict aimed at influencing the cognition, beliefs, values, and emotions of target audiences in order to create divisions, weaken national cohesion, and undermine the collective will of nations. This research article, employing a descriptive-analytical approach and relying on documentary analysis as well as the statements and viewpoints of the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran, examines the impact of cognitive warfare on national cohesion and security and explores strategies for countering it. The findings indicate that adversaries utilize various tools and mechanisms to undermine social cohesion, intensify political divisions, distort fundamental values, and promote hopelessness and distrust within society. In response, effective strategies for confronting this emerging form of warfare include Jihad-e Tabyin (explanatory and clarification efforts) as a central strategy, enhancing public awareness, strengthening adherence to the principle of guardianship (Velayat-e Faqih), promoting positive thinking, and relying on domestic capacities. This study emphasizes the central role of cognitive warfare in the adversary's hybrid warfare strategy and explains the significance of Jihad-e Tabyin as a strategic approach for addressing such threats. Finally, based on the research findings, practical recommendations are proposed to strengthen the foundations of national security against cognitive warfare.

Keywords: National Security, Warfare, Jihad-e Tabyin, Cognition, Cognitive Warfare

Volume info

Vol. 3
Series: 8
Summer 2026
P.P: 69-90

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
27 August 2025
Revised:
21 November 2025
Accepted:
30 April 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 3092-6459
E-ISSN: 3092-6424



Cite this article: Asadi, M. (2026). Cognitive warfare and its impact on national cohesion and security. *Cognitive Research in Political Studies*, 3(1), ____doi:
[10.20241403/CRPS.2508.1059.1.8.4](https://doi.org/10.20241403/CRPS.2508.1059.1.8.4)



Publisher: Political Deputy of
the Ideological-Political
Organization

© The Author(s).



جنگ شناختی و تأثیر آن بر انسجام و امنیت ملی

منوچهر اسدی^۱

۱. دانشگاه بین‌المللی فرق و مذاهب اسلامی. asadi.manochehr641@gmail.com

چکیده

امنیت ملی، مفهومی چندوجهی است که در برگیرنده ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی یک کشور می‌باشد. در دنیای امروز، تحولات سریع در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بستر ظهور تهدیدات نوینی را فراهم آورده است که «جنگ شناختی» یکی از بارزترین آن‌هاست. جنگ شناختی، نبردی است که با هدف تأثیرگذاری بر شناخت، باورها، ارزش‌ها و احساسات مخاطبان، اقدام به ایجاد شکاف، تضعیف انسجام ملی و تزلزل اراده ملت‌ها می‌نماید. این مقاله پژوهشی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطالعه اسنادی و فرمایشات مقام معظم رهبری، به بررسی تأثیر جنگ شناختی بر انسجام و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راه‌های مقابله با آن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دشمنان با استفاده از ابزارهای مختلف، به دنبال تضعیف انسجام اجتماعی، ایجاد شکاف‌های سیاسی، مخدوش کردن ارزش‌های بنیادین، القای ناامیدی و بی‌اعتمادی در جامعه هستند. در مقابل، راهکارهای مؤثر مقابله با این جنگ نوین، شامل «جهاد تبیین» به عنوان راهبرد اصلی، افزایش آگاهی عمومی، تقویت ولایت‌پذیری، ترویج مثبت‌اندیشی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی است. این مقاله بر نقش محوری جنگ شناختی در استراتژی جنگ ترکیبی دشمن تأکید کرده و چرایی اهمیت راهکار جهاد تبیین را در مقابله با این تهدیدات تبیین می‌نماید. در نهایت، با جمع‌بندی یافته‌ها، پیشنهادهایی عملیاتی برای تقویت بنیان‌های امنیت ملی در برابر جنگ شناختی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امنیت ملی، جنگ، جهاد تبیین، شناخت، جنگ شناختی

سال و شماره

سال ۳، پیاپی: ۸
بهار ۱۴۰۵

صص: ۹۰-۶۹

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: 3092-6459

الکترونیکی: 3092-6424



استناد: اسدی، منوچهر. (۱۴۰۵). جنگ شناختی و تأثیر آن بر انسجام و امنیت ملی. شناخت پژوهی مطالعات سیاسی، ۳(۱)، doi:

10.20241403/CRPS.2508.1059.1.8.4

© نویسندگان.

ناشر: معاونت سیاسی سازمان
عقیدتی - سیاسی ودجا



OPEN ACCESS

مقدمه

در گستره روابط بین‌الملل و در عصر حاضر، مفهوم جنگ و ابزارهای آن دستخوش تحولات شگرفی شده است و دیگر محدود به درگیری‌های نظامی و مواجهه فیزیکی نیست؛ بلکه ابعاد روان‌شناختی، اطلاعاتی و ادراکی اولویت یافته است. در این میان، «جنگ شناختی» به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و مخرب‌ترین اشکال جنگ نوین، تهدیدی جدی برای انسجام و امنیت ملی جوامع محسوب می‌شود. این نوع جنگ، با هدف تأثیرگذاری مستقیم بر ذهن، اندیشه، باورها، ارزش‌ها و احساسات افراد و گروه‌ها، به دنبال ایجاد دگرگونی در نگرش‌ها، تضعیف اراده مقاومت، برهم زدن نظم اجتماعی و در نهایت، انفعال یا فروپاشی جامعه هدف است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری که در خط مقدم جبهه مقاومت قرار دارد، همواره مورد حمله‌های گوناگون، از جمله جنگ شناختی بوده است. درک عمیق ماهیت، ابعاد، اهداف و روش‌های جنگ شناختی و همچنین شناسایی و ترویج راهکارهای مؤثر مقابله با آن، امری حیاتی برای حفظ و ارتقاء امنیت ملی و انسجام داخلی کشور است. هدف از پژوهش پاسخ به این پرسش می‌باشد که جنگ شناختی و تأثیر آن بر انسجام و امنیت ملی چیست؟ و اهداف این جنگ مانند واقعیات، ایجاد ناامیدی، بی‌اعتمادی به نظام و راهکارهای مقابله با آن مانند افزایش آگاهی و شناخت تکنیک‌های جنگ شناختی، ولایت‌پذیری، جهاد تبیین را بررسی نماید.

امروزه انسان‌ها بر مبنای حقیقت قضاوت نمی‌کنند؛ بلکه بر اساس تصویری که از حقیقت برای آن‌ها ساخته می‌شود تصمیم می‌گیرند و قضاوت می‌کنند و در این میان این رسانه‌ها هستند که از حقیقت تصویرسازی می‌کنند و آن را در ذهن مردم جا می‌دهند. بر این اساس جنگی پنهان و چندلایه در عرصه تصویرسازی از حقیقت و ادراک سازی برای انسان‌ها با هدف در دست‌گیری ابتکار عمل در مدیریت افکار عمومی وجود دارد که از آن به جنگ شناختی یاد می‌شود.

کنترل رفتار انسان‌ها بدون توجه به افکار و شناخت آنان ممکن نخواهد بود؛ چراکه رفتار آدمی از افکار و شناخت آنان نشأت می‌گیرد. دشمنان ایران بعد از شکست در جبهه‌های سیاسی و نظامی، اکنون با توجه به تأثیر جنگ شناختی برای شکست دادن ج.ا.ایران به این جنگ روی آوردند. به گونه‌ای که آثار این جنگ را می‌توان در مسائل بسیاری در کشور ملاحظه نمود؛ لذا لازم است

که آحاد ملت و مسئولین با آشنایی و تسلط بر شیوه‌های جنگ شناختی به مقابله مؤثر با دشمن برخیزند.

سؤالات اساسی فراوانی در این حوزه می‌توان طرح کرد. آیا پیچیدگی‌های وضع موجود با بهره‌گیری از علوم و فناوری در جنگ شناختی و مدیریت ادراک می‌تواند به تغییر تعادل قدرت در صحنه جهانی بیانجامد؟ حضور هوش مصنوعی در این میان چه نقشی بازی می‌کند؟ آیا این فضا بر تقویت خرد عمومی جهان کمک می‌کند یا منجر به دور شدن از حقیقت، خودبنیادی و قبیله‌گرایی می‌شود؟ در این تحقیق انسجام و هویت ملی اساس نظرگاه ماست. آن هم با توجه به دقت نظرهای مقام معظم رهبری معظم انقلاب به واسطه اشراف به مسائل کلی جامعه، برای مقابله با جنگ شناختی تدابیر و راهنمایی‌های بسیار راهگشا بیان نموده‌اند که در صورت توجه مسئولین امر به این موارد و اجرایی شدن آن‌ها به‌طور قطع دشمن شکست خواهد خورد.

۱- پیشینه تحقیق

در خصوص جنگ شناختی و تأثیر آن بر انسجام و امنیت ملی از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه‌ای چندان قوی‌ای وجود ندارد و در بررسی‌های صورت گرفته از طریق مراجعه به آثار مکتوب اعم از مقالات علمی، کتاب‌ها و منابع الکترونیکی در خصوص جنگ شناختی پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

تحقیقی با عنوان «جنگ شناخت مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی»، حسن محبوب عشرت‌آبادی و سعید شکوری مغانی، ۱۴۰۱، انجام شده است که یافته‌های آن بر اساس رنسانس علوم و فناوری‌های شناختی، برتری آینده را برتری شناختی می‌داند و آن را درگرو قدرت‌نمایی در عرصه جنگ شناختی ترسیم کرده اشاره می‌کند. مقاله «مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب»، طیه باباییان و آرزو کرمی، به بیان تعریف و تاکتیک‌های جنگ شناختی پرداخته و مصادیقی را از قرآن و بیانات رهبر معظم انقلاب ارائه نموده‌اند. در این پژوهش مبانی جنگ شناختی از دیدگاه قرآن کریم بررسی و سپس آن را در کلام مقام معظم رهبری به‌عنوان مسکن‌دار علم شیعه واکاوی شود. در مقاله «تأثیر مثبت نگرى بر مقابله با جنگ شناختی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای» نوشته سمیه عمادی، مثبت‌نگری و عوامل قوت و ضعف و تأثیر آن را در بیانات

امام شهید (قدس سره) بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که امید به داشته‌ها و ظرفیت‌های داخلی مانند منابع مادی، نیروی انسانی، پیشرفت اقتصادی و علمی، همکاری مسئولین و مردم در جهت محرومیت‌زدایی و رفع فساد در کنار توکل و ایمان به خداوند متعال سرمنشأ همه پیشرفت‌ها و مقاومت در برابر عوام‌فریبی رسانه‌های معاند است. «جنگ شناختی علم پیروزی در نبرد ذهن‌ها»، حمیدرضا مقدم‌فر، ابراهیم محسنی آهویی، خبرگزاری تسنیم، بی‌تا؛ کتاب متشکل از یک مقدمه و هشت فصل حول دو مفهوم جنگ شناختی و مدیریت ادراک در حوزه رسانه را پوشش می‌دهد و تلاش می‌کند تصویری عینی از این جنگ ارائه نماید.

گرچه تاکنون پژوهش‌هایی حول موضوع جنگ شناختی انجام شده است، اما هیچ پژوهشی به بررسی خاص تأثیر این جنگ بر انسجام و امنیت ملی نپرداخته است. از این رو تحقیق پیش‌رو می‌تواند نخستین گام در این وادی باشد.

۲- روش تحقیق

این پژوهش با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر روش کیفی مبتنی بر داده‌بنیاد تدوین شده است. این روش، به معنای جمع‌آوری، سازمان‌دهی، تحلیل و تفسیر داده‌های موجود در اسناد، متون و بیانات مرتبط با موضوع تحقیق است. الف) توصیفی: در این بخش، ضمن ارائه تعاریف دقیق مفاهیم کلیدی (مانند امنیت ملی، جنگ، شناخت، جنگ شناختی و جهاد تبیین)، به توصیف ابعاد و اهداف جنگ شناختی پرداخته می‌شود. این توصیف بر اساس محتوای اسناد و با استناد به منابع علمی و دینی انجام می‌پذیرد؛ ب) تحلیلی: در این مرحله، داده‌های جمع‌آوری شده مورد تحلیل عمیق قرار می‌گیرند. این تحلیل شامل تحلیل محتوا: بررسی دقیق محتوای متون موجود، به‌ویژه بیانات مقام معظم رهبری، برای استخراج و دسته‌بندی مؤلفه‌های تأثیر جنگ شناختی بر امنیت و انسجام ملی. تحلیل اسنادی: بررسی و واکاوی اسناد و منابع معتبر که به موضوع جنگ شناختی و راهکارهای مقابله با آن پرداخته‌اند. رویکرد کیفی مبتنی بر داده‌بنیاد: در این رویکرد، تمرکز بر فهم عمیق پدیده مورد مطالعه از طریق بررسی داده‌های کیفی (متون، اسناد، بیانات) است. داده‌ها به صورت نظام‌مند جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل می‌شوند تا الگوها، روابط و مفاهیم کلیدی استخراج گردند. در

این پژوهش، داده‌های اصلی شامل محتوای تخصصی در زمینه جنگ شناختی و فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص تهدیدات نرم، جنگ ادراکی و راهکارهای مقابله با آن است.

۳- چارچوب نظری و مفهومی

در جنگ قرن بیست و یکم، مشروعیت اصلی‌ترین تکیه‌گاه است. در درون مخاطبان داخلی و غیردشمن، مشروعیت واقعی درک یک مبنای مناسب قانونی، اخلاقی و عرفی است که غالباً با اعتقاد به لزوم پاسخگویی نظامی همراه است، جنگ‌ها در دوران جدید صرفاً افزودن قلمرو... نیست بلکه برای تسلط گفتمان‌هاست.

جنگ شناختی به معنای هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان با تغییر ارزش‌ها، نگرش و باورها، هنجارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت می‌باشد؛ و این جنگ، گونه‌ای تکامل یافته‌تر، عمیق‌تر و پیشرفته‌تر جنگ روانی بوده که مبتنی بر جامعه شبکه‌ای است (گروه پژوهش گران و مترجمین مرکز مطالعات و پژوهش‌های اطلاعاتی معاونت اطلاعات آجا).

جنگ شناختی اگرچه یک موضوع مطالعات امنیتی بوده، لکن وجوه روان‌شناختی گسترده‌ای دارد که موجب شکل‌گیری کنش‌های خاص می‌گردد و این نوع جنگ با تأثیرگذاری بر احساسات و ادراکات فرد، نسبت به باورهای آنان ذهنیت مثبت / منفی ایجاد می‌کند و سپس این باورها به کنش‌هایی منجر می‌شود که به اهداف آن جامعه معطوف نخواهد بود.

جنگ شناختی، در حقیقت مبارزه بر سر کنترل جریان اطلاعات و خوانش آن از جانب مخاطبین بوده و نباید آن را صرفاً صورت تکامل یافته جنگ اطلاعات دانست، زیرا ماهیت این جنگ به‌طور مطلق متفاوت می‌باشد. جنگ شناختی، همچنین از طریق زیرساخت‌های شبکه‌ای و دیجیتالی امکان‌پذیر است و یکی از ابزار مهم جنگ شناختی رسانه می‌باشد. در این جنگ استفاده از فن‌های متنوع و دست‌کاری در انتقال و پردازش اطلاعات، مخاطب را به‌سوی اهداف از پیش تعیین شده هدایت می‌نماید. بر این اساس، رسانه با خارج نمودن واقعیات از صحنه، می‌تواند زیست جهانی انسانی را به‌دنیایی از نشانه‌های خود بنیان مبدل کند و در همین چارچوب، نشانه‌ها را برجای واقعیات قرار دهد. به علت همین ویژگی است که رسانه توانایی تولید آنچه را که مطلوب مرکز قدرت است

را دارا می‌باشد. رسانه می‌تواند در چنین شرایطی هر پدیده‌ای را با اهداف از پیش معین شده نه انعکاس، بلکه خلق نماید.

در جنگ شناختی، مسئله اساسی‌تری که در آن موضوعیت دارد روش تفکر انسان می‌باشد، بدین معنا که افراد خودشان روش تفکر را از طریق شرکت در جنگ اتخاذ نموده و در آن دشمنان تنها به ساخت دهی به اطلاعات، تزریق آن، فریب دادن، بهره‌برداری و ناپدید ماندن نیازمندند. اگرچه آنان همچنین تأکید دارند که هدف نهایی کسب نوعی مزیت نسبت به طرف دیگر است. هدف از جنگ شناختی درمجموع، ایجاد تغییر در سیاست جامعه مورد هدف، از طریق فرآیند شناختی، به نفع دولت مهاجم می‌باشد. درنهایت، احتمالاً هدف جنگ شناختی مشابه سایر حوزه‌های جنگی برای تحمیل اراده بر دولت دیگر است.

۴- مفهوم شناسی

الف) امنیت ملی: امنیت ملی به معنای حفظ منافع حیاتی یک کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. این منافع شامل حفظ تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و همچنین حفظ ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی کشور می‌شود.

ب) جنگ: جنگ به معنای مقابله و ستیزه‌جویی میان دو یا چند گروه، چه به صورت فیزیکی و چه به صورت کلامی است. جنگ می‌تواند به معنای هر نوع درگیری و مخالفت باشد، حتی اگر به خشونت فیزیکی منجر نشود؛ و در معنای مجازی، جنگ می‌تواند به کشمکش میان رقبای برای رسیدن به اهدافشان اشاره کند؛ بنابراین جنگ یک واژه چندوجهی است که می‌تواند به معنای فیزیکی نبرد و کشتار و همچنین به معنای کشمکش و نزاع غیر فیزیکی به کار رود. در اصطلاح نظامی به معنای فن پیشبرد اهداف سیاسی با استفاده از نیروهای مسلح می‌باشد.

پ) جهاد تبیین: به معنی روشنگری از روی کار علمی و تحقیقی، به منظور مقابله با دشمن و وسوسه‌های او دانسته شده است.

ث) شناخت: برای هر نوع عملیات یا ساختار ذهنی است که بتوان آن را به صورت دقیق مورد مطالعه قرارداد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ج) جنگ شناختی: شامل اقدامات و ابزارهایی است که نهادها یا موجودیت‌های شکل‌دهنده و راهبردی کننده در یک نبرد خاص، با توسل به این ابزارها و اقدام‌ها، بر شناخت جامعه هدف تأثیر می‌گذارند یا در آن‌ها نفوذ می‌کنند و یا این‌که از نفوذ در میان آن‌ها جلوگیری می‌کنند. همچنین جنگ شناختی به معنای استفاده از علوم شناختی در هدف قرار دادن قوه شناخت عموم مردم و نخبگان جامعه هدف با تغییر هنجارها، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارها از طریق مدیریت ادراک و برداشت است (Javani, 2022: 13).

جنگ شناختی به دنبال ایجاد شک، معرفی روایت‌های متضاد، قطبی کردن افکار، تندرو کردن گروه‌ها و ایجاد انگیزه و محرک‌ها برای دست زدن به اقداماتی است که می‌تواند یک جامعه منسجم را به یک جامعه منشق و در آستانه فروپاشی تبدیل کند (Lawrence, 2021). جنگ شناختی ترکیبی از تکنیک‌های سایبری جدیدتر مرتبط با جنگ اطلاعاتی و اجزای انسانی قدرت نرم، همراه با جنبه‌های دستکاری شده عملیات روانی است. آن‌ها معمولاً شامل ارائه جانب‌دارانه یک واقعیت هستند که معمولاً به صورت دیجیتالی تغییر یافته و به نفع مهاجم عمل می‌کنند (Asgarian, 2022: 106). جنگ شناختی نوعی جنگ برای کنترل یا تغییر نحوه واکنش افراد نسبت به اطلاعات دریافتی و هدف آن فروپاشی دشمن از درون و تحمیل ارائه سیاسی بدون اقدام سخت است؛ و در این جنگ به نوعی سلاح موشک به سلاح رسانه تبدیل می‌شود، بنابراین همه افراد می‌توانند ابزار و عامل این جنگ باشند؛ زیرا جنگ تفکر و باورها است. یکی از راهبردهای قدرت‌های غربی نابودسازی فرهنگ دیگر ملت‌های جهان است مفهوم اصلی دهکده جهانی الگوسازی فرهنگ آمریکایی در ازای از بین رفتن دیگر فرهنگ‌هاست. ترویج فرهنگ آمریکایی سلطه آمریکا بر دیگر ملت‌های جهان در پی دارد. سطحی از سازمان یا ساختار که مأموریت و تصمیم‌های کلان را تدوین تبیین می‌کند و بیشتر تعامل‌های اساسی به این سطح از ساختار مربوط می‌شود، به این ساختار ستاد یا شورای راهبردی گفته می‌شود (ZARIF MANESH, TAVALAEE & MOGHISEH, 2014). امروزه، جنگ شناختی قابلیت‌های سایبری، اطلاعات، روان‌شناختی و مهندسی اجتماعی را برای دستیابی به اهداف خود ادغام می‌نماید. از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی برای هدف قرار دادن افراد بانفوذ، گروه‌های خاص و تعداد زیادی از شهروندان به صورت انتخابی و سریالی در یک جامعه استفاده می‌کند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در نهج البلاغه، امام علی^(ع) در مواجهه با جنگ نرم و عملیات

روانی دشمن، از راهبردهایی مانند روشنگری، دعوت به اتحاد و برادری، برگزاری مناظرات، ایجاد اطمینان، افشای چهره دشمن و... استفاده می‌کردند. در مقابل، دشمن از شایعه‌پراکنی، ایجاد تفرقه و اختلاف، تهدید و... برای تضعیف حکومت و ایجاد ناامیدی در مردم بهره می‌برد.

شایعه‌پراکنی و تحریف واقعیت: امیرالمؤمنین^(ع) یکی از ابزارهای اصلی دشمن را «شایعه» می‌دانند که با هدف ایجاد ترس، تردید و از بین بردن اعتماد به حاکمیت انجام می‌شود. ایشان در خطبه ۳۷۶ می‌فرمایند: «إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ، وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ حَقٌّ دُشْوَارٌ، وَلِيْ غَوَارِاسْتٍ وَبَاطِلٌ آسَانٌ اسْتِ وَبِيمَارِيْ أَفْرَاسْتِ». حق سنگین و گواراست، اما باطل سبک و ناگواراست. این فرمایش به این نکته اشاره می‌کند که اخبار و پیام‌های باطل به سرعت و به راحتی پخش می‌شوند، اما درنهایت مانند یک بیماری جامعه را نابود می‌کنند. این همان مکانیسم انتشار شایعات و اطلاعات گمراه‌کننده است. همچنین ایشان می‌فرمایند: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيْمَانِ؛ از دروغ دوری کنید که باایمان ناسازگار است.» (Nahj al-Balaghah, 2002). این روایت، شایعه و دروغ را به عنوان ابزاری برای تضعیف ایمان و باورهای جامعه معرفی می‌کند.

اهداف جنگ شناختی: هدف این جنگ حمله به اطلاعات با اطلاعات در فضای ذهن مخاطبان مورد هدف، برای ایجاد آشوب و صدمه است؛ و هدف اصلی آن تغییر ریشه‌ای نحوه فکر کردن افراد، باورها و پارادایم‌های ذهنی می‌باشد. با وجود صحت و اعتبار تعاریف موجود درباره جنگ شناختی به نظر می‌رسد مهم‌ترین مفاهیمی که در راستای این جنگ شکل گرفته‌اند، مرتبط با سازمان ناتو است. با توجه به اهمیت جنگ شناختی برای سازمان ناتو، از سال ۲۰۲۰ م مقرر شده تا کنفرانس‌های سالیانه به میزبانی کانادا با موضوع جنگ شناختی برگزار شود. ناتو این جنگ را یک مزیت تاکتیکی به شمار می‌آورد. رهبر انقلاب با بهره‌گیری از موقعیت‌های تاریخی برای تصویرگری جنگ شناختی می‌فرماید: «در مقام مقایسه، اگر بخواهیم جبهه امروز دشمن علیه جمهوری اسلامی را در صدر اسلام مشابه‌سازی بکنیم، می‌شود جنگ احزاب امروز خب، مشاهده می‌کنید دیگر؛ همه‌ی دنیاپرستان و قدرت‌طلبان و جنایتکاران و اهل زر و زور و ظلم و طغیان در سرتاسر عالم، در رده‌های مختلف اقتدار، در مقابل جمهوری اسلامی صف کشیده‌اند و حمله هم کرده‌اند و دارند از همه‌ی جوانب حمله هم می‌کنند؛ عین همین قضیه در جنگ احزاب اتفاق افتاد» (Khamenei, 2016). فناوری‌های همگرا (نانوتکنولوژی، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و علوم شناختی)

ابزارهای جنگ شناختی است. ابزارهایی که توان مدیریتی ذهن مخاطب را بالا می‌برند. قدرت ایمازسازی و بالتبع درون زمین مخالف بازی کردن برخاسته از این علوم همگرا ویژه هوش مصنوعی است.

باید توجه داشت که جنگ شناختی مبتنی بر جامعه شبکه‌ای با زیرساخت رسانه‌های نوین که با مدیریت ادراک و برداشت انجام می‌گیرد و تفکر آدمی را مورد هدف قرار می‌دهد و رفتارهای او را مدیریت می‌کند؛ «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا؛ بگو: هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت‌های اکتسابی خود عمل می‌کند، پس پروردگارتان به کسی که راه یافته‌تر است، داناتر است»؛ زیرا هر کسی بر اساس شاكلة شخصیتی عمل و رفتار می‌کند که شامل بینش‌ها و نگرش‌های اوست (Mansouri, 2024). رسانه‌ها انواع بسیاری از اطلاعات را انتقال داده و شیوه‌هایی را که افراد، زندگی اجتماعی را تفسیر نموده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند را به وسیله نظم دادن به تجربه ما از زندگی اجتماعی، قالب‌ریزی می‌کنند (Giddens, 2010: 479). جنگ شناختی دارای ظرافت بیشتری نسبت به بردهای دیگر می‌باشد و جنگی است که شباهت‌هایی به جنگ نرم دارد با این تفاوت که جنگ نرم در تلاش است باورها و افکار مردم یک جامعه را تضعیف نماید. لیکن در جنگ شناختی، افراد یک سرزمین توسط رسانه‌های جدیدتر و فضاهای مجازی تحت تأثیر قرار می‌گیرند بدون آن که خود را نشان دهند. در جنگ شناختی شما به عنوان هدف آماج گلوله‌های شناختی دشمن، از آسیب‌هایی که می‌بینید، هیچ دردی را احساس نمی‌کنید، بلکه حتی ناخواسته به گروه دشمن ملحق می‌شوید و حتی از ترکش‌هایی که به شما اصابت می‌کند، ممکن ابراز رضایت کنید، چرا که افکار شما دیگر دست خودتان نیست و این دشمن است که شمارا مهار و مدیریت می‌کند. پس این دشمن است که حاکمیت و سلطه بی‌چون و چرای خود را بر اذهان و قلوب جامعه هدف حاکم کرده است تا جایی که او از زبان شما می‌گوید و با دستان و از منابع شخصی شما برای منافع خویش هزینه می‌کند، درحالی که احساس می‌کنید این شما هستید که فکر می‌کنید، می‌گویید، عمل می‌کنید و هزینه می‌پردازید تا به ظاهر اهداف خویش را تحقق بخشید؛ در هر حالی که هیچ چیز به نفع شما نیست و این شما هستید که در نهایت همچون چوب موربانه خورده بر زمین می‌افتید و از هستی ساقط می‌شوید. در آیه ۱۲۱ سوره انعام به صراحت بیان می‌شود که شیطان چگونه بر کسانی به عنوان «اولیاء» شیطان حاکم می‌شود تا جایی که از سوی شیاطین «وَحی» به سوی

آنان فرستاده می‌شود و آنان از درون خویش آن را دریافت کرده و فکر و زبان آنان می‌شوند تا در خدمت شیاطین علیه مؤمنان گام بردارند. این همان حاکمیتی که امروز از آن به غلبه در جنگ شناختی از آن سخن می‌گویند و افراد مغلوب در این جنگ خود به‌جای آن که در جبهه خودی باشند، در جبهه غیرخودی علیه منافع خودی فعالیت و عمل می‌کنند؛ «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ؛ به‌راستی که شیاطین به‌سوی محکومان تحت ولایت خویش وحی می‌فرستند تا با شما مجادله کنند» (Mansouri, 2024). هدف اصلی این جنگ تسخیر مغزها قلب‌ها هست و از نظر مقام معظم رهبری جنگ شناختی از جنگ سخت و نظامی فراتر است و ایشان دریکی از بیانات خود می‌فرمایند: «دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌ها است. اگر مغز یک ملتی را توانستند تصرف کنند، آن ملت سرزمین خود را دودستی به دشمن تقدیم می‌کند.» (Khamenei, 2022).

سالیان متمادی نظام سلطه قواعدی هویتی را حاکم کرده که هر نگاهی خارج از آن صحیح نیست. آنان معیارها و میزان‌های را قرار داده و خارج از آن را فاقد عقلانیت می‌دانند. شکست این قالب‌ها و کاربست‌های مفهومی یکی از تلاش‌های ما بایست باشد. جمهوری اسلامی در سالیان اخیر در برابر این جعل مفاهیم مقابله نموده است. به‌عنوان مثال رهبر انقلاب در استفاده از عبارت غرب آسیا را در برابر خاورمیانه که باز تولید اروپا محوری و سلطه غرب بر جهان است به کار برده است: «البتة من اصرار دارم این منطقه را غرب آسیا بگویم نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاورمیانه درست نیست. دور از کجاء؟ از اروپا. نزدیک به کجاء؟ به اروپا، یعنی مرکز دنیا اروپاست؛ هرجایی که از اروپا دورتر است اسمش خاور دور است، خاور نزدیک است، هر جا وسط است، خاورمیانه است» (Khamenei, 2012). همچنین پرهیز تعمیدی ایشان از کاربرد دوگانه‌های مرکز/پیرامون و شمال/جنوب یا سه‌گانه جهان اول/دوم/سوم نیز در همین راستاست. یک مثال بارز دیگر در قالب دهی در جنگ شناختی بین یهودی ستیزی و ضد صهیونیسم بودن است.

امروزه دشمنان کشور در یک جنگ شناختی تمام‌عیار از یکسو به دنبال ایجاد اختلال ادراکی-محاسباتی و تصمیم‌سازی در مسئولین متناسب بااراده‌ی خود هستند؛ از سوی دیگر اهدافی چون تغییر آرمان‌ها، باورها و سبک زندگی مردم را دنبال می‌کنند. شواهد و اعترافات در این زمینه نشان می‌دهد که این دو هدف عمده در لوای اجرایی کردن سناریوی نفوذ در حال انجام است که هدف

اول از طریق نفوذ فردی و موردی و هدف دوم از طریق نفوذ جریانی و شبکه‌ای میسر خواهد شد. اجرایی کردن سناریوی نفوذ موجب ایجاد و تقویت محدودیت‌های ذهنی در مسئولین و جابه‌جایی اولویت‌های کشور می‌شود؛ همچنین سست شدن باورهای محکم مردم نسبت به نظام و کشور و ایجاد یأس و ناامیدی و تقویت روحیه سازش‌کاری و پذیرش قدرت پوشالی کدخدا و کنار آمدن با نظام سلطه و زورگو را در پی دارد (Javani, 2022: 173). در این خصوص رهبر معظم انقلاب، چگونگی نفوذ دشمن و انواع آن را این‌گونه تشریح می‌فرماید:

نفوذ موردی و فردی: نفوذ دو جور است، یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد معنایش این است که فرض کنید شما یک دم و دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره آرایش‌شده، بزک شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند شما خیال کنید دوست است درحالی‌که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام دهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم‌شمارا عوض می‌کند.

نفوذ شبکه‌ای و جریانی: منتها از این خطرناک‌تر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ به‌وسیله‌ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز است؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت موردنظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند- البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد- همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص می‌دهد؛ درنتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد؛ بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه شود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام گیرد که این‌ها در

سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده‌ی کشور تأثیر دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمان‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، خواست‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد» (Khamenei, 2015).

امروزه یکی از مهم‌ترین و بارزترین مصادیق «نفوذ جریانی» که از یک‌سو با «اختلاط و جاذبه‌های جنسی» و از سوی دیگر با «سودای پولدار شدن و رؤیای ساختن کاخ آرزوها» موجب ضربات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روحی فراوانی به جوانان کشور شده، وجود شغل‌های کاذبی چون فعالیت در شرکت‌های «هرمی» و «بازاریابی شبکه‌ای» است. در شرکت‌های هرمی که فعالیت آن در کشور غیرقانونی تلقی می‌شود، کالایی وجود ندارد و اساساً هوا به طعمه‌ها فروخته می‌شود، اما در بازاریابی شبکه‌ای، کالایی برای ردوبدل شدن وجود دارد و این شرکت‌ها توانسته‌اند مجوزهای موقتی را نیز از بعضی مراجع قانونی اخذ کنند؛ با این حال شیوه‌ی کار هر دو یکسان است و افراد با زیرمجموعه گرفتن و تشکیل شبکه‌ی انسانی به سود می‌رسند، نه خلق ارزش.

در هردو هم معمولاً عضوایی در این گرداب، از نسل جوان و دانشجو صورت می‌پذیرد. در این فعالیت غیرمولد که ترویج‌کننده‌ی مصرف‌گرایی افراطی است، اصولاً وقتی افراد پس از چند ماه متوجه بوج بودن وعده‌های شرکت و سرشاخه‌ها می‌شوند، طبیعی است که با سرخوردگی، انگیزه‌شان برای ادامه فعالیت از بین برود؛ اما ماجرا به همین سادگی تمام نمی‌شود و تغییرات روان‌شناختی که در اثر بمباران‌های ذهنی و شستشوی مغزی برای افراد پیش آمده، به این راحتی‌ها جبران‌پذیر نبوده و غالباً بعد از مدتی به افسردگی، پرخاشگری و نارضایتی شدید از زندگی هم کشیده می‌شود. در جنگ شناختی شاهدیم که همواره بهره‌گیری از غریزه جنسی جزو مهم‌ترین ترفندهای رسانه‌های غربی نیز می‌باشد؛ ترفند شومی که استفاده مداوم از آن موجب تغییر سبک زندگی، شکستن هنجارهای اجتماعی و به انحراف کشیدن نسل جوان و جامعه اسلامی ایران خواهد شد؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق برنامه‌های رسانه‌های غربی از این جاذبه در جهت جذب و اغوای مخاطبان خویش بهره می‌گیرند تا از این رهگذر، هدف مهمی چون ناهماهنگی شناختی و تغییر نظام باورها به تناسب تغییر سبک زندگی رقم بخورد. برخلاف مکتب اسلام که تلاش دارد افراد به‌صورت کاملاً آگاهانه، با میل و رغبت خود روش زندگی خود را تغییر دهند، اما مکاتب و رسانه‌های غربی درصدد هستند که تغییر رفتار و سبک زندگی در حالتی ناآگاهانه و غیرهوشیارانه

صورت گیرد و افراد متوجه تغییرات سبک زندگی و به تبع آن تغییرات فکری خود نشوند؛ لذا غربی‌ها علی‌الخصوص آمریکا در تلاش هستند تا با ایجاد و تقویت حاکمیت خود بر رسانه‌هایی چون فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای، تدریجاً آموزه‌های مطلوبشان را القا کنند و کنترل رفتار مخاطبان را به دست گیرند (Javani, 2022: 100)

۵- تأثیرات جنگ شناختی بر امنیت ملی

تأثیرات جنگ شناختی بر امنیت ملی بسیار گسترده و عمیق است. این جنگ می‌تواند باعث ایجاد گسست عاطفی و ادراکی بین مردم و نخبگان با حاکمیت شود، سرمایه اجتماعی را تضعیف کند و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را کاهش دهد. دشمن در جنگ شناختی با هدف قرار دادن سه نقطه اصلی یعنی تحریف واقعیت‌ها، ایجاد یأس و ناامیدی و زیر سؤال بردن ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی، تلاش می‌کند تا انسجام و همبستگی اجتماعی را از بین ببرد (Mahjob & Shakori, 2022: 161-163) و جامعه هدف را به سمت فروپاشی روانی و اجتماعی سوق دهد. به این ترتیب، امنیت ملی که مبتنی بر ثبات سیاسی، اجتماعی و روانی جامعه است، به شدت آسیب می‌بیند و زمینه برای نفوذ و تسلط دشمن فراهم می‌شود.

۱- تضعیف انسجام ملی: دشمنان تلاش می‌کنند تا با ایجاد گسل‌های اعتقادی، فرهنگی، قومی و سیاسی، وحدت و همبستگی ملی را خدشه‌دار کنند. این امر از طریق انتشار اطلاعات غلط، ایجاد روایت‌های متناقض و ترویج گفتمان‌های تفرقه‌انگیز صورت می‌گیرد.

۲- ایجاد شکاف‌های سیاسی - اجتماعی: هدف دیگر، دامن زدن به اختلافات سیاسی و جناحی، تضعیف اعتماد عمومی به نظام و نهادهای حکومتی و ایجاد نارضایتی گسترده است. این امر با برجسته‌سازی نقاط ضعف، تحریف عملکرد مسئولان و القای ناکارآمدی نظام انجام می‌شود. انتشار اطلاعات مغرضانه و تحریک احساسات، می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر نموده و ثبات سیاسی را به خطر اندازد و با تمرکز بر اختلافات قومی، مذهبی، طبقاتی همبستگی اجتماعی را از بین می‌برد و جامعه را به دسته‌های متخاصم تقسیم می‌کنند.

۳- مخدوش کردن ارزش‌ها: جنگ شناختی به دنبال تضعیف و کم‌رنگ کردن ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی، مانند ایمان، ایثار، استقلال، عدالت و معنویت است. دشمنان با ترویج

ارزش‌های غربی، فردگرایی افراطی، مادی‌گرایی و اشرافی‌گری، تلاش می‌کنند تا هویت دینی و انقلابی جامعه را از بین ببرند.

۴- تضعیف توان دفاعی: جنگ شناختی با هدف قرار دادن ابعاد فکری، روانی و فرهنگی یک جامعه، توان دفاعی آن را از جنبه‌های مختلف تضعیف می‌کند. درواقع، این نوع جنگ بر «شناخت» افراد تأثیر می‌گذارد؛ یعنی بر درک، باورها، ارزش‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها. جنگ شناختی این موارد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث بروز مشکلات در توان دفاعی می‌شود:

کاهش اعتماد به نفس ملی: با القای حس ضعف، ناکارآمدی و بی‌لیاقتی در یک ملت، باور به توانایی‌های خودشان را از بین می‌برد. وقتی ملتی به خودش و رهبرانش اعتماد نداشته باشد، انگیزه برای دفاع و مقاومت نیز کاهش می‌یابد.

بی‌اعتمادی به نهادها و مسئولین: با تخریب وجهه نهادهای دفاعی، امنیتی و سیاسی، اعتماد مردم به آن‌ها را از بین می‌برد. وقتی مردم به سیستم دفاعی خود اعتماد نداشته باشند، در لحظه نیاز، از آن حمایت نمی‌کنند.

کاهش انسجام و همبستگی: وقتی هر فرد یا گروهی بر اساس اطلاعات نادرست و ادراکات تحریف شده خود عمل کند، انسجام ملی از بین می‌رود. جامعه‌ای که متحد نباشد، نمی‌تواند در برابر یک تهدید خارجی یا داخلی به‌خوبی مقاومت کند.

درنهایت، هدف جنگ شناختی این است که بدون شلیک حتی یک گلوله، توانایی جامعه برای فکر کردن، تصمیم‌گیری و عمل به نفع خود را از بین ببرد. وقتی این اتفاق بیفتد، جامعه از درون فرسوده شده و به‌راحتی می‌تواند تسلیم شود یا از هم بپاشد. این دقیقاً همان چیزی است که توان دفاعی یک کشور را به‌شدت تضعیف می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در این باب می‌فرماید: «لَا تَخْتَلَفُوا فَإِنَّ مِنْ كَانَتْ قَبْلَكُمْ اِخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا؛ با هم اختلاف نکنید، زیرا کسانی که پیش از شما بودند، اختلاف کردند و نابود شدند (کنز العمال، ۸۹۴)». این حدیث به‌وضوح عاقبت عدم انسجام و تفرقه را که هدف نهایی جنگ شناختی است، مشخص می‌کند: هلاکت و نابودی.

۵- آسیب به هویت ملی: جنگ شناختی می‌تواند به شیوه‌های مختلفی به هویت ملی آسیب بزند، زیرا هویت ملی اساساً یک ساختار شناختی و فرهنگی است که از باورها، ارزش‌ها، خاطرات مشترک، زبان، تاریخ و احساس تعلق به یک ملت تشکیل شده است. جنگ شناختی با هدف قرار

دادن این عناصر، می‌تواند این پایه‌های هویتی را متزلزل یا تخریب کند و آسیب جدی به انسجام اجتماعی وارد نماید. چند روش کلیدی که موجب آسیب به هویت ملی می‌شود عبارت است از:

۵-۱- تحریف تاریخ و ایجاد شکاف در روایت ملی

بازنویسی تاریخ: با ارائه روایت‌های جایگزین و تحریف شده از تاریخ، جنگ شناختی می‌تواند وقایع کلیدی، قهرمانان ملی، یا حتی ریشه‌های فرهنگی یک ملت را زیر سؤال ببرد. این کار باعث می‌شود نسل‌های جدید در مورد گذشته خود سردرگم شوند و احساس تعلق به یک تاریخ مشترک را از دست بدهند.

ایجاد احساس گناه یا شرم ملی: با تمرکز بر جنبه‌های منفی تاریخ یا نسبت دادن گناهان تاریخی به کل ملت، احساس شرم و حقارت در افراد ایجاد می‌شود که در تضاد با غرور و هویت ملی است.

۵-۲- تضعیف ارزش‌ها و باورهای بنیادین

زیر سؤال بردن ارزش‌های مشترک: ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که ستون فقرات هویت ملی را تشکیل می‌دهند، می‌توانند هدف قرار گیرند. مثلاً، با ترویج فردگرایی افراطی، مصرف‌گرایی بی‌رویه، یا بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی، همبستگی و ارزش‌های سنتی تضعیف می‌شوند.

القای پوچی یا بی‌معنایی: با نشان دادن ناکارآمدی سیستم‌های موجود، فساد، یا بی‌عدالتی، این حس ایجاد می‌شود که آرمان‌ها و ارزش‌های ملی دیگر قابل‌دستیابی یا حتی ارزشمند نیستند.

۵-۳- شکستن انسجام اجتماعی و هویت جمعی

تقویت تفرقه‌های قومی، مذهبی و سیاسی: با دامن زدن به اختلافات داخلی و ایجاد شکاف بین گروه‌های مختلف جامعه، جنگ شناختی انسجام ملی را از بین می‌برد. وقتی افراد خود را بیشتر متعلق به گروه قومی، مذهبی یا سیاسی خود بدانند تا ملت، هویت ملی تضعیف می‌شود. در مجموع، جنگ شناختی با ایجاد شکاف، تفرقه، تحریف واقعیت‌ها و تضعیف باورها و ارزش‌های مشترک، هویت ملی را که مجموعه‌ای از این عوامل است، از درون متلاشی می‌کند. هدف این است که افراد احساس تعلق، غرور و همبستگی ملی را از دست بدهند و به‌جای آن،

احساس سردرگمی، بیگانگی، یا تعلق به هویت‌های کوچک‌تر و متخاصم پیدا کنند (Hajizadeh, 140: 2022).

۶- کاهش تاب‌آوری ملی: در ادبیات علمی و امنیتی، تاب‌آوری ملی به‌عنوان توانایی یک ملت برای مقاومت، سازگاری و بازیابی از تهدیدات و شوک‌ها تعریف می‌شود. در این جنگ، این شوک‌ها از جنس اطلاعاتی و روانی هستند. در برابر جنگ شناختی، کاهش تاب‌آوری ملی به معنای کاهش توانایی جامعه با این نوع تهدیدات است. جنگ شناختی با هدف از بین بردن روحیه امید و مقاومت انجام می‌شود لیکن قرآن کریم در مقابل، به مؤمنان توصیه به ایستادگی و امیدواری می‌کند «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید. اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می‌بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می‌بینند و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است (نسا، ۱۰۳)». این آیه مستقیم به موضوع سستی نکردن در برابر دشمن اشاره دارد. زمانی که مؤمنان احساس درد و رنج می‌کنند، این آیه یادآور می‌شود که دشمنان نیز در حال رنج کشیدن هستند، با این تفاوت که مؤمنان به رحمت و پاداش الهی امیدوارند، اما دشمنان نه. این آیه به‌نوعی به تقویت روحیه و تاب‌آوری روانی در شرایط سخت می‌پردازد. تاب‌آوری به سه سطح اصلی تقسیم می‌شود:

سطح فردی: این سطح به توانایی هر فرد در مواجهه با اطلاعات گمراه‌کننده، شایعات اشاره دارد؛

سطح اجتماعی: این سطح به توانایی جامعه برای حفظ انسجام اجتماعی در برابر تلاش‌های تفرقه‌افکنانه دشمن اشاره دارد. جنگ شناختی با برجسته کردن گسل‌های قومی، مذهبی، طبقاتی و سیاسی سعی در ایجاد بی‌اعتمادی و چندپارگی دارد؛

سطح سازمانی: این سطح به توانایی نهادها و دولت برای واکنش سریع و مؤثر به تهدیدات شناختی اشاره دارد. این شامل سازمان‌های رسانه‌ای، نهادهای امنیتی و نهادهای آموزشی می‌شود. کاهش تاب‌آوری ملی در برابر جنگ شناختی، یک تهدید چندبعدی است که تمام سطوح جامعه را در برمی‌گیرد. تقویت سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در سطح جامعه و همچنین توسعه سازوکارهای دفاعی و تحلیلی در سطح سازمانی، سه محور اصلی برای مقابله مؤثر با این پدیده

هستند. درک این ابعاد و استفاده از یافته‌های علمی در سیاست‌گذاری‌های ملی، برای حفظ امنیت و ثبات کشور ضروری است (Javani, 2022: 105).

۶- راهکارهای مقابله با جنگ شناختی

مسلمانان، قرآن کریم را رسانه‌ای می‌دانند که پیام خداوند متعال را به بشر ابلاغ می‌کند؛ بنابراین، مهم‌ترین اصول ارزشی، دیدگاه‌ها و مواضع این رسانه الهی را می‌توان مبنای سیاست‌گذاری برای رسانه‌های همگانی قرارداد (keshavarz, siahpooosh, arjini & naeini, 2024: 123). حوزه علوم شناختی جزء حوزه‌های بسیار پیچیده‌ای است که با توجه به دگردیسی و تکاملی که در امتداد حوزه عملیات روانی و مدیریت‌های برداشت اتفاق افتاده بعد از سپری شدن چهار دهه به واسطه پیچیدگی‌هایی که در کشورمان به وقوع پیوسته، جزء مهم‌ترین علوم برای طراحی، ساماندهی و سازمان‌دهی عملیات میدانی در حوزه‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، فردافزاری و فکرافزاری شده است. دشمن، از طریق شبکه‌های اجتماعی و از طریق جعل هویت‌ها، نقش‌ها و شبکه‌های جدید زندگی برای مردم را معرفی می‌کنند. در این راستا، تاب‌آوری شناختی نقش کلیدی در کاهش تأثیر جنگ شناختی داشته و به توانایی افراد و جوامع برای پایداری در برابر دست‌کاری‌های شناختی اشاره دارد (toraby & Taheri Zadeh, 2021: 65). این مفهوم ارتقای سواد رسانه‌ای، افزایش آگاهی و شناخت تکنیک‌های جنگ شناختی را شامل می‌گردد. صورت لذا می‌توان به مهم‌ترین راهکارهای تاب‌آوری در برابر جنگ شناختی با تأکید بر آموزه‌های قرآن اشاره داشت:

افزایش آگاهی و بصیرت عمومی: ارتقاء سطح دانش و بصیرت جامعه نسبت به شیوه‌ها و اهداف جنگ شناختی، امری حیاتی است. آموزش سواد رسانه‌ای، سواد اطلاعاتی و سواد شناختی به عموم مردم، می‌تواند آن‌ها را در برابر ترفندهای دشمن مصون سازد. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) و پیروانش را داشتن بینش صحیح در رفتارها و کردارها می‌داند: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي... بَغْوِ أَيْنَ رَأَى مِنْهُ اسْت. مَنْ وَ پِروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم (یوسف، ۱۰۸)».

شناخت تکنیک‌های جنگ شناختی: جنگ شناختی یکی از آخرین گرایش‌ها در جنگ مدرن است. جنگ شناختی همه طیف‌های جامعه را در برمی‌گیرد، چه نوجوانانی که در جریان

مسائل انقلاب نیستند و چه افراد معتقد که دشمن می‌کوشد تا با اجرای یک سری تکنیک‌ها حداقل روی اراده افراد معتقد اثرگذار باشد. در جنگ شناختی دشمن بعد از بیان روایت به سراغ مصادیق آن می‌رود و به دلیل عدم تقوا ذهن مخاطب را که اغلب شامل گروه خاکستری و سیاه هستند مورد بارش تهمت‌ها و دروغ‌ها قرار می‌دهد، لذا در حکمرانی مجازی کسی می‌تواند بر این فضا غالب و حاکم شود که اذهان را در اختیار داشته باشد. هرچند اسلام آرمان‌های بزرگی را برای بشر به ارمغان آورده است، اما به واقعیت بیرونی نیز توجه زیادی دارد. اسلام به مؤمنان برای قوی شدن در برابر تکنیک‌های دشمنان دستور می‌دهد تا خود را تجهیز نمایند و همواره در حال آماده‌باش باشند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید (انفال، ۶۰)». بر این اساس است که خداوند متعال جهاد را یکی از واجبات مهم قرارداد و به پیامبرش دستور داد که بر دشمنان سخت گرفته و با آنان جهاد نماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سختگیر (توبه، ۳۷)».

ولایت‌پذیری: مؤلفه ولایت‌مداری، اطاعت بی‌چون‌وچرا از ولی خدا است. اطاعتی مخلصانه و از روی آگاهی و بر اساس حب به ولایت، همان‌گونه که خداوند درباره‌ی افرادی که ولایت رسول گرامی اسلام را می‌پذیرند، چنین می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلاف‌های خود، تو را به داوری طلبند و آنگاه از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند (نساء، ۶۵)». تبعیت از ولایت فقیه، به عنوان ستون خیمه نظام، باعث حفظ انسجام درونی و استحکام پایه‌های تصمیم‌گیری و مقاومت در برابر هجمه‌ها می‌گردد. وحدت حول محور رهبری، از ایجاد شکاف‌های داخلی جلوگیری کرده و اراده ملی را تقویت می‌نماید.

جهاد تبیین: همان‌طور که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند، «جهاد تبیین» به معنای روشنگری عمیق، بصیرت‌افزایی و اقناع‌سازی منطقی، راهبرد اصلی مقابله با جنگ شناختی است. این جهاد، پاسخی فعال و پیشگیرانه به شبهه‌افکنی‌ها و تحریف واقعیت‌هاست. تبیین صادقانه، مستند و دلسوزانه، می‌تواند اذهان را روشن کرده و از تأثیرپذیری از روایت‌های نادرست دشمن جلوگیری کند ایشان تأکید کرده‌اند که جهاد تبیین یک فریضه است، نه مستحب و باید به‌صورت فوری انجام

شود. به گفته ایشان، اگر ما روایت نکنیم، دشمن روایت می‌کند و حقایق را وارونه جلوه می‌دهد از منظر مقام معظم رهبری، جهاد یعنی تلاش در مقابله‌ی با دشمن؛ جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد. شما اگر کار اقتصادی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی دشمن، می‌شود جهاد؛ این‌ها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه‌ی جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است» (Khamenei, 2021). ایشان جهاد تبیین را راهی برای مقابله با ناامیدی و یأس دشمن در دل جوانان می‌دانند و معتقدند که با تبیین درست و بهنگام می‌توان اهداف دشمن را نابود کرد.

تبیین در فرهنگ‌های فارسی به معنای هویدا شدن؛ پیدا شدن و آشکار شدن، بیان کردن؛ آشکار ساختن است. جهاد تبیین را می‌توان فعالیت و سخت‌کوشی در مسیر روشنگری، روایت‌گری دقیق در برابر اغواگری دشمن دانست. جهاد تبیین اولین باربر پیامبر در سوره مبارکه نحل، آیه ۴۴ و ۶۴ نازل شده که می‌فرماید: پیامبر و قرآن را نازل کردیم تا برای مردم تبیین کند و مردم اختلافاتی دارند و قرآن نازل و حضرت محمد را فرستادیم تا تبیین صورت بگیرد و اختلافات از بین برود. از نظر قرآن، اگر جهاد تبیین پیامبر مبتنی بر وحی قرآنی نباشد، مردم در شناخت حقیقت به‌ویژه در هنگام فتنه و در موارد مشابه گرفتار می‌شوند و به هلاکت می‌افتند. قرآن افزون بر پیامبر خدا، اولوالأمر از معصومان را نیز به‌عنوان تبیین‌گران الهی معرفی می‌کند و از آنان به‌عنوان اهل الذکر و راسخون در علم الهی یاد کرده و از مردم می‌خواهد تا برای فهم حقیقت و رهایی از متشابهات به ایشان مراجعه کنند. تبیین در نگاه قرآن «درک حقیقت» و نمایاندن حقیقت در مقابل نشان دادن چهره «باطل» است؛ «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؛ به‌زودی نشانه‌های خود را در کرانه‌ها و اطراف جهان و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی‌تردید او حق است (فصلت، ۵۳)». تبیین «حق» و در مقابل آن تبیین و نقاب‌برداری از چهره باطل که به تعبیر رهبر انقلاب با پنجه‌های چدنی پنهان کرده در مخمل به میدان می‌آید از رسالت‌های افسران جهاد تبیین است، نیرنگ و فریب، غوغا سالاری، شبه‌افکنی، تلاش در تحقیر و

تمسخر و نادیده انگاری حق و تمسک به درشت‌نمایی ضعف‌ها و پنهان کردن موفقیت‌ها از شگردهای همیشگی جبهه باطل است. شناساندن حق و رسواسازی ترفندها و دسیسه‌های باطل، وظیفه و فریضه مجاهدان میدان تبیین است. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز (نحل، ۱۲۵)». این آیه اصلی‌ترین مبنای جهاد تبیین است. خداوند به پیامبر (ص) و در امتداد آن به همه مسلمین، روش دعوت و بیان حقایق را با حکمت (بیان منطقی و مستدل)، موعظه حسنه (بیان دلسوزانه و تأثیرگذار) و جدال احسن (بحث و گفتگوی منطقی و به‌دوراز اهانت) آموزش می‌دهد. این آیه، راه را برای روشنگری و مقابله با ابهام افکته‌ها ترسیم می‌کند.

جهاد تبیین که مقام معظم رهبری روی آن تأکید دارند یک ضد حمله دقیق علیه دشمن در جنگ شناختی است. در همین راستا با تطهیر دوران پهلوی واقعیت‌های دوران قبل انقلاب را معکوس جلوه می‌دهند و موفقیت‌های انقلاب را منفی جلوه می‌دهند. پس باید با ابزار تبیینی به چنین میدانی ورود کرد با مستندات به اقناع افکار عمومی و نخبگانی پرداخت یعنی نگذاریم تصویرسازی هدفمند دشمن به ثمر برسد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که جنگ شناختی، صرفاً یک تهدید نظری نیست، بلکه واقعیت میدانی می‌باشد که به‌طور مستمر، امنیت و انسجام ملی را مورد هدف قرار می‌گیرد. همان‌طور که از تحلیل اسناد و بیانات مقام معظم رهبری برمی‌آید، دشمنان با درک اهمیت حوزه شناخت و ادراک در تعیین سرنوشت ملت‌ها، ابزارهای خود را در این حوزه به کار گرفته‌اند جنگ شناختی، مفهومی پیچیده و چندوجهی است که در عصر اطلاعات و ارتباطات به یکی از ابزارهای اصلی رقابت و تسلط تبدیل شده است. این نوع جنگ، برخلاف جنگ‌های سنتی که بر تخریب فیزیکی متمرکز هستند، قلب و ذهن انسان‌ها را نشانه می‌گیرد و هدف آن تغییر ادراکات، باورها، ارزش‌ها و درنهایت رفتار افراد و جوامع است. این جنگ به‌عنوان ابزاری قوی در دست بازیگران مختلف قرار دارد و می‌تواند بدون استفاده از درگیری مستقیم، تغییرات بزرگی در جبهه مقابل ایجاد

نماید جنگ شناختی را می‌توان به‌عنوان یک جنگ نرم تمام‌عیار تعریف کرد که در آن، ابزارهایی مانند رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات هدفمند و عملیات روانی به کار گرفته می‌شوند. استفاده از عملیات روانی، انتشار اخبار جعلی، تکنیک‌های القای شک و تردید، دست‌کاری اطلاعات در شبکه‌های ارتباطی از جمله راهبردهایی است که در جنگ‌های شناختی مدرن برای تضعیف قدرت به کار می‌رود. تأثیرات این جنگ بسیار گسترده و عمیق هستند و می‌توانند بنیان‌های یک جامعه را از درون متزلزل کنند. اصلی‌ترین تأثیرات و نتایج جنگ شناختی عبارت‌اند از: تخریب هویت ملی و انسجام اجتماعی که با القای حس ضعف، ناکارآمدی و عدم توانایی، روحیه ملی تضعیف می‌شود و با برجسته کردن اختلافات قومی، مذهبی، طبقاتی و سیاسی باعث ایجاد شکاف‌های عمیق در جامعه و از بین رفتن همبستگی می‌شود و همچنین با هدف قرار دادن مشروعیت حکومت و نهادهای آن، می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی و نارضایتی عمومی منجر شود. با تضعیف روحیه ملی و ایجاد شک و تردید در توانایی‌های دفاعی، اراده مقابله با تهدیدات خارجی کاهش می‌یابد. پیامد نهایی جنگ شناختی، تسلط بر یک جامعه بدون نیاز به مداخله نظامی مستقیم است. زمانی که هویت یک ملت تخریب شود، انسجام اجتماعی از بین برود و افکار عمومی به سمتی هدایت شود که منافع بیگانگان را تأمین کند، آن جامعه از درون تهی و آسیب‌پذیر می‌شود. این نوع جنگ، عمیق‌ترین و ماندگارترین زخم‌ها را بر پیکر یک ملت وارد می‌کند، زیرا مستقیماً روح، اراده و خودآگاهی جمعی را هدف قرار می‌دهد. با توجه به این تأثیرات مخرب، مقابله با جنگ شناختی از اهمیت حیاتی برخوردار است. مقابله با این تهدید، نیازمند اتخاذ راهبردهای فعال، مستمر و چندوجهی است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

Quran

- Asgarian, H. (2022). Britain's policy in the field of cognitive and psychological warfare. *International Security Monthly, Special Issue on Cognitive and Psychological Warfare*, (42), 103–124. [In Persian]
- Dashti, M. (Trans.). (2002). *Nahj al-Balaghah*. Qom, Iran: Amir al-Mu'minin Cultural and Research Center. (Original work published 10th century). [In Persian]
- Giddens, A. (2010). *Sociology* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran, Iran: Ney Publications. (Original work published 2009). [In Persian]
- Javani, M. (2022). *Cognitive sciences in cognitive warfare* (14th ed.). Tehran, Iran: No-Andishan-e Donya-ye Ketab. [In Persian]
- Hajizadeh, S. (2022). Contextual, theoretical, conceptual and practical explanation of cognitive warfare A case study of Russia. *Iranian Journal of Wargaming*, 5(10), 103-143. [In Persian]
- <https://www.idsa.in/publisher/issuebrief/the-invisible-battlefield-information-operations-in-the-12-day-israel-iran-war>
- <http://farsi.khamenei.ir>
- <http://www.leader.ir/fa/keshavarz>, M. , siahpoosh, A. , arjini, H. and naeini, A. M. (2024). The spectrum of people in cognitive warfare and the role of actors in intelligent warfare as human capital. *Islamic social studies*, 29(127), 101-126. doi: 10.30513/iss.2024.5565.1312. [In Persian]
- Lawrence, A. (2021). *Countering Cognitive Warfare: Awareness and Resilience*. Johns Hopkins University & Imperial College London.
- Mahjob, H and Shakori, S . (2022). Modern Cognitive Warfare: From the Application of Cognitive Science and Technology in the Battlefield to the Arena of Cognitive Warfare. *Journal of Human Resource Management*, 12(2), 156-180. doi: 10.22034/jhrs.2022.158895. [In Persian]
- Mansouri, K. (2024). *Cognitive warfare: Dominating minds and hearts*. Retrieved from <https://shenakht.ir>. [In Persian]
- Qaraati, M. (1997). *Tafsir Noor*. Tehran, Iran: Dars-ha-ye Qur'an Cultural Center. [In Persian]
- Raji, M. H., & Eftekhari, A. (2020). The West's Hybrid Warfare against the Islamic Republic of Iran. *Defense Policy*, 28(109), 75-111. [In Persian]
- Sahifah al-Sajjadiyyah. (1997). Supplication No. 21. Qom, Iran: Al-Hadi Publishing Office. [In Persian]
- Tabataba'i, S. M. H. (1997). *Tafsir al-Mizan* (S. M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom, Iran: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom. [In Persian]
- toraby, ghasem, & Taheri Zadeh, Mohammad Naser. (2021). The Cyber Revolution and The Evolution of the Concept of Information Warfare in the Field of International Relations. *INTERNATIONAL STUDIES JOURNAL*, 17(4 (68)), 47-66. [In Persian]
- ZARIF MANESH, H., TAVALAEE, M., & MOGHISEH, R.. (2014). DESIGNING STRATEGIC STRUCTURE OF CONFRONTATION WITH SOFT WAR IN I.R OF IRAN. *DEFENSE STRATEGY*, 11(44), 43-75. [In Persian]